

سبک‌شناسی مثنوی «فهرست جهان» از خمسه «مخیره / محیره» اثر علاءالدین کرمانی (شاعر قرن نهم هجری)

منور جان، عبدالرضا سیف*، محمود فضیلت

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۹، صص ۳۴۹-۳۴۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7447>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: خمسه «مخیره» یا «محیره» به تقلید از خمسه نظامی (بنیانگذار خمسه‌سرایی در ادبیات فارسی) و توسط شاعری به نام عبدالوهاب بن محمد محمودبن محمد عمر کرمانی در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) سروده شده است. دو نسخه از آن در کشور ترکیه در کتابخانه‌های دانشگاه استانبول و کتابخانه ایاصوفیه نگهداری میشود. این جستار حاصل بررسی نسخه‌شناختی و سبک‌شناختی دومین منظومه این خمسه با عنوان «فهرست جهان» است. **روش پژوهش:** پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است و ارجاعات براساس نسخه کتابخانه استانبول (۹۱۳ م.ق) میباشد.

تاریخ دریافت: ۲۰ مهر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۲ آبان ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۰ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ دی ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

علاءالدین کرمانی، خمسه مخیره یا محیره، نظامی، مثنوی، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

seif@ut.ac.ir

۰۸۲۰۱۱۳۰۸۲ (+۹۸۲۱)

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان میدهد این منظومه به پیروی از منظومه «خسرو و شیرین» نظامی سروده شده است؛ باوجود این جز در وزن، هیچ شباهت و تناسبی با آن ندارد. شاعر معتقد است افسانه خسرو و شیرین حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و باید طرحی نو در انداخت. علاءالدین به پیروی از نظامی، ترکیبات بدیعی خلق کرده است که گاه زیبا و دلنشین هستند و این را میتوان جزو امتیازات سبک او دانست. محتوای این اثر تعلیمی و در حوزه فلسفه و عرفان است. **نتیجه:** اشعار از نظر زبانی ساده و روانند؛ اما تعداد لغات عربی در آن بسیار زیاد است. تعداد ابیات مردف در این مثنوی قابل توجه نیست. باوجود این از انواع ردیف بهره برده است. از نظر قافیه نیز «فعل» و «اسم» بترتیب بیشترین نوع کلمه در قوافی هستند. جناس در میان صنایع بدیعی پرکاربرد است. از لحاظ بلاغی دارای تنوع فنون و صنایع بلاغی است؛ و گاه حاوی تشبیهات محکم و خلاقانه‌ای است. در میان انواع تشبیه نیز، تشبیه بلیغ و سپس تشبیه مفصل بیشترین بسامد را دارند. استعاره پس از تشبیه، بیشترین بسامد را در میان صنایع بیانی دارد. بسامد استعاره مصرحه از مکنیه بیشتر است. شاعر همچنین از کنایات فعلی بیشترین بهره را برده است. محتوای اثر تعلیمی و عرفانی بوده که در خلال این مباحث به مدح پیامبر، وصف طبیعت، گله و شکایت از روزگار و... پرداخته است. در مجموع میتوان گفت در توصیف مضامین غنایی مهارت بیشتری دارد تا مضامین تعلیمی.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Masnavi "Fihrest Jahan" from "Mokhayyereh / Mohayyreh" by Ala'eddin Kermani (poet of the 9th century of Hijri)

M. Can, A. Seif*, M. Fazilat

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 October 2023
Reviewed: 13 November 2023
Revised: 01 December 2023
Accepted: 13 January 2024

KEYWORDS

Aladdin Kermani, Khamsa Mokhira or Mohira, Nizami, Masnavi, stylistics.

*Corresponding Author

✉ seif@ut.ac.ir

☎ (+98)61113082

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Khumsa "Makhira" or "Muhirah" was written in imitation of Khumsa Nizami (the founder of Khumsa Sarai in Persian literature) and by a poet named Abdul Wahab bin Muhammad Mahmoud bin Muhammad Omar Kermani in the 9th century AH. (15 AD). In Türkiye, it is kept in the libraries of Istanbul University and Hagia Sophia Library. This essay is the result of the bibliographic and stylistic analysis of the second volume of this Khamsa titled "The World List."

METHODOLOGY: The current research is a theoretical study that was conducted using a library method and a descriptive-analytical method, and its sources are based on the version of the Istanbul Library (913 AH).

FINDINGS: The findings of the research show that this poem was written following the military poetry of Khosrow and Shirin. Despite this, except for the weight, it has no resemblance or proportion. The poet believes that the legend of Khosrow and Shirin has nothing new to say and a new plan should be thought of. Aladdin has created original and sometimes beautiful and pleasant ballads following Nizami, and this can be seen as one of the advantages of his style. The content of this work is educational and in the field of philosophy and mysticism.

CONCLUSION: The poems are simple and fluent in terms of language. But the number of Arabic words in it is very high. The number of verses in this masnavi is not significant. Despite this, he has used a variety of rows. In terms of rhyme, "verb" and "noun" respectively constitute the most types of words in rhyme. Puns are widely used among innovative industries. In terms of rhetoric, it has various rhetorical techniques and industries; And sometimes it contains strong and creative similes. Among the types of similes, eloquent similes and then detailed similes are the most frequent. After simile, metaphor is the most frequent among expressive arts. The frequency of metaphor in the play is more than that of Makaniyyah. The poet has made the most of current references. The content of the work is educational and mystical, and during these discussions, he praises the Prophet, describes nature, flocks and herds from the past, etc., and in general, it can be said that he is more skilled in expressing lyrical themes than educational ones. themes

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7447>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

خمسه «مخیره» یا «محیره» منظومه‌ای است که با پیروی از خمسه نظامی در قرن نهم توسط شاعری به نام عبدالوهاب بن محمد محمود بن محمد عمر کرمانی مشهور به ملا علاءالدین کرمانی نقشبندی شافی سروده شده است. از این کتاب دو نسخه در کتابخانه‌های دانشگاه استانبول و ایاصوفیه نگهداری میشود. دومین بخش این نسخه، منظومه «فهرست جهان» است.

علاءالدین کرمانی در سال هجری 838 هـ ق در کرمان به دنیا آمد و دوران کودکی و جوانی را در همین شهر سپری کرد. سپس برای ادامه تحصیلات به هرات رفت و در علومی چون ریاضیات، نجوم، کلام، و ادبیات آموزش دید. همچنین به دمشق، مصر و هندوستان سفر کرده است.

عصر تیموری دوره ظهور، اوج گیری و فعالیت هرچه بیشتر فرقه‌های صوفیانه در جامعه بود. یکی از این طریقتها، سلسله نقشبندیه بود. مؤسسان این طریقت با طرح آموزه‌های جدید و بی‌سابقه، شکل جدیدی از تصوف را ارائه کردند. (محمدی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۵ و ۱۶۵). علاءالدین کرمانی نیز طبق منابع موجود بر طریقت نقشبندی بوده است و در اثر خود مصادیق آن وجود دارد. علاءالدین پس از سفر به هندوستان، برای حج به مکه سفر کرد و پس از ازدواج با دختر امام مکه، در آنجا اقامت گزید تا اینکه در نود و دو سالگی در سال ۹۳۰ هجری قمری از دنیا رفت.

علاءالدین «کوکبی» تخلص میکرده و از خود با این عنوان یاد میکند:

ببند از گفتن این «کوکبی» لب که نتوان دیدن این خورشید در شب (۹۴)

در اثری از محمد الشیلی الیمینی با عنوان «صنالبحیر» اسم نویسنده خمسه مخیره، عبدالوهاب بن محمد محمود بن محمد عمر کرمانی آمده است. در اثر دیگری با عنوان «فضایل مکه» از شاعر بزرگ ترک، که ترجمه اثر قطب‌الدین محمد بن علاءالدین احمد مکی نهروالی، از علمای حنفی مذهب هند، از شخصی به نام علاءالدین کرمانی نام برده شده است که اثری با عنوان خمسه محیره دارد. بنابراین، علاءالدین کرمانی همان کوکبی و صاحب خمسه مخیره یا محیره است. باین حال این اثر، چنانچه در مقدمه آن آمده است و این مقدمه در هر دو نسخه موجود است، «محیره» به معنای «حیرت‌انگیز» است.

خمسه محیره شامل پنج اثر در قالب مثنوی است که بترتیب قرار گرفتن در نسخ عبارتند از: «آینه دل»، «فهرست جهان»، «انوار المحبه»، «ابواب الجنه»، و «طراز النبوه». مثنوی آخر یعنی «طراز النبوه» شامل دو بخش با عناوین «در البحرین» و «بحر ال درین» است. یک نسخه از مثنوی «طراز النبوه» در کتابخانه مرکزی تبریز با شماره ثبت ۱۵۲۲۹۳۶ نگهداری میشود. همچنین نسخه‌ای با عنوان «مغنی‌نامه علاءالدین کوکبی» در کتابخانه نور عثمانیه (استانبول) با شماره ثبت ۴۹۵۹ شامل صد بیت وجود دارد که این ابیات همان صد بیت نخست مثنوی «الطراز النبوه» است.

نسخه‌شناسی

نسخه کتابخانه استانبول: این اثر در کتابخانه دانشگاه استانبول در ردیف FY با شماره ۱۳۹۸ ثبت شده است. بر روی جلد اثر نقش ترنج در وسط قرار گرفته و در چهار گوشه نیز دارای «لچک ترنج» یا «لچکی» است. زمینه ترنج به رنگ لاجوردی بوده و با تذهیب زرکوب همراه است. داخل ترنج و اطراف آن (داخل و خارج چهار لچکی) با گل و برگ و طرح‌های اسلیمی پر شده است. این طرح‌های اسلیمی با چنگها و سرچنگها، گره‌ها و انشعابات

کامل شده و زیبایی خاصی دارد. هر یک از لچکیها نیز دارای زمینه لاجوردی و تذهیب زرکوب است؛ اما کادرهایی با زمینه رنگ طلایی و شنگرف نیز وجود دارد. در صفحه نخست نسخه، قبل از مقدمه، نقشی از نوع «شمسه» وجود دارد. این شمسه دارای دوازده خانه است که در شش تا از آنها، عنوان هر یک از منظومه‌های این خمسه با رنگ لاجوردی و به خط «نسخ» نوشته شده است. خانه‌ها یک‌درمیان به رنگهای طلایی و لاجوردی هستند. همچنین این شمسه دارای شش شرفه (شعاع) است که فقط دور خانه‌هایی رسم شده که دارای عناوین کتب هستند. در مرکز این شمسه عبارت «سلطان‌الدین و خاقان البحرین سلطان بایزیدبن سلطان محمدبن مرادخان» نشان می‌دهد که این نسخه در زمان حکومت سلطان بایزید دوم عثمانی (۸۸۵-۹۱۷ ه.ق) استنساخ شده است. رنگ پشت جلد سیاه و از جنس چرم «ساغری» است که بسیار بادوام و مستحکم بوده و دارای برجستگیهای دانه مانند نسبتاً درشت است. نسخه شامل ۵۳۱ ورق در ابعاد ۱۱/۸ * ۱۸ است. این نسخه در قسطنطنیه (استانبول) کتابت گردیده است و در صفحه آخر نسخه، کاتب از خود با نام «سلطان احمد» یاد کرده است: «کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمت الواحد الاحد. سلطان الاحمد تجاوز الله عن سیئاته، به دارالسلطنه قسطنطنیه...».

تاریخ استنساخ توسط مستنسخ در آخر نسخه ثبت شده است:

من کتابت تمام چون کردم گشت تاریخ او «کتابت من»

که عبارت «کتابت من» ماده تاریخ بوده و برابر با ۹۱۳ هجری قمری است.

منظومه «فهرست جهان» از صفحه ۷۴ نسخه آغاز میشود و در صفحه ۱۱۰ به پایان میرسد و در مجموع شامل ۷۴ صفحه است. صفحه اول این اثر دارای سرلوحة‌ای با زمینه لاجوردی و طرحهای اسلیمی است. همچنین نقشهای ختایی به رنگ سفید، آنها را تکمیل میکند.

این اثر با عبارات «بسم الله الرحمن الرحیم و الصلوه علی محمد و آله اجمعین؛ مناجات با حاضری از غیبت مبراً که از فرط پیدایی پنهان و در عین پنهانی پیداست» آغاز میشود که با رنگ شنگرف نوشته شده است. تمام عناوین و سرفصلها نیز در کادر و با همین رنگ نوشته شده است. در هر صفحه چهار ستون وجود دارد که در هر ردیف یک مصراع نوشته شده است و در مجموع در هر ردیف دو بیت نوشته شده است. ابیات بصورت مقابل هم نوشته شده‌اند. به جز صفحه اول که شامل ۲۴ بیت است، باقی صفحات هر یک شامل حدود ۴۰ بیت میشود. در مجموع این منظومه دارای بیت ۲۶۲۸ است.

این اثر با خط نستعلیق خوانا نوشته شده است که این خط «از اوایل قرن نهم هجری [زمان زندگی شاعر] در میان نسخه‌نویسان عثمانی و شبه‌قاره هند رواج یافت» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۱ و ۳۲)

نسخه کتابخانه ایاصوفیه: خمسه مخیره یا محیره در کتابخانه ایاصوفیه با شماره ۳۸۵۵ ثبت گردیده است. این نسخه دارای جلد چرم قهوه‌ای رنگ ساده و بدون تذهیب و شامل ۴۵۰ ورق در ابعاد ۱۶/۵ * ۱۰ است. همچنین جلد رو باقی نمانده است و فقط جلد پشت در دست است. در صفحه 1a نسخه یادداشتی وجود دارد مبنی بر اینکه نسخه از طرف پادشاه عثمانی محمودخان وقف شده است و سال کتابت آن ۹۱۵ هجری قمری (دو سال پس از کتابت نسخه کتابخانه استانبول) است. مثنوی «فهرست جهان» از صفحه ۶۰ این نسخه آغاز شده و در صفحه ۹۰ به پایان میرسد. بطور متوسط در هر صفحه ۶۰ بیت کتابت شده است و همانند نسخه کتابخانه استانبول، اشعار در چهار ستون نوشته شده‌اند؛ با این تفاوت که ستونها خط کشی نشده‌اند. عناوین و سرفصلها به رنگ شنگرف بوده و برخلاف نسخه کتابخانه استانبول، در کادر قرار نگرفته‌اند. اشعار با خط نستعلیق نوشته شده که به زیبایی

و خوانایی نسخه کتابخانه استانبول نیست و در برخی صفحات دارای پارگی است. در مجموع نسخه‌ای ساده‌تر از نسخه کتابخانه استانبول است.

در این پژوهش شماره ارجاع ابیات، با توجه به شماره‌ای است که در هر دو نسخه، احتمالاً توسط نسخه‌شناس، با مداد سیاه و در سمت چپ بالای صفحه درج شده است. در این شماره‌گذاری هر دو صفحه، یک صفحه قلمداد شده است. در پژوهش حاضر برای پرهیز از تکرار، فقط به ذکر شماره صفحه در پرانتز اکتفا کرده‌ایم و ارجاعات براساس نسخه کتابخانه استانبول (۹۱۳ ه.ق) می‌باشد.

خمسه‌سرایی در ادبیات فارسی

کوکبی خمسه مخیره را، طبق گفته خویش، تحت تأثیر خمسه نظامی گنجوی سروده است که در این بخش به این موضوع پرداخته می‌شود. خمسه‌سرایی یکی از سنت‌های دیرپای ادب فارسی است که در قرن شش هجری توسط نظامی پایه‌گذاری شد و تا قرن چهارده هجری در ایران و قلمرو نفوذ فرهنگ ایران به حیات خود ادامه داد. در طی این تاریخ هشتصدساله بسیاری از شاعران ایرانی، هندی و ترک به سرودن مثنوی‌هایی به تقلید از خمسه نظامی پرداخته‌اند. این سنت ادبی را میتوان پس از شاهنامه‌سرایی، پراچالترین سنت ادبی فارسی دانست. (واعظزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۹)؛ اما تا کنون پژوهش جامعی پیرامون آن صورت نگرفته و بسیاری از خمسه‌های ادب فارسی ناشناخته باقی مانده‌اند و فهرست دقیقی از آنها در دست نیست. در مورد تعداد مقلدان نظامی آمار دقیقی در دست نیست و یان ریپکا تعداد مقلدان او را در ایران، ترکیه، آسیای مرکزی و هندوستان بیش از حد میداند. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۱۷۴) علاء‌الدین کرمانی، شاعر قرن نهم هجری، نیز از جمله شاعرانی است که تحت تأثیر نظامی به سرودن خمسه مخیره یا مخیره مبادرت ورزیده است. او به صراحت در منظومه «فهرست جهان» اشاره کرده است که این اثر را به پیروی از «خسرو و شیرین» نظامی سروده است که نظامی نیز به آن مینازد. او منظومه نخست از خمسه خویش (آینه دل) را در اقتفای مخزن الاسرار معرفی میکند و در خطاب به خویش میگوید پس از پرداختن به مخزن الاسرار، به سراغ خسرو و شیرین برو (۷۹)

سبک‌شناسی مثنوی «فهرست جهان»

سبک در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌های ادبی و زبانی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار میگیرد، «سبک» میگویند. سبک‌شناسی در چند سطح قابل بررسی است: زبانی، ادبی و فکری. سبک‌شناسی در این سطوح میتواند پژوهشگران را در مسیر شناسایی و بررسی و تحلیل اندیشه شاعران قرار دهد.

سطح زبانی

در سطح زبانی، ویژگی‌های لغوی، نحوی و آوایی اثر بررسی میشود که به مواردی مانند حروف اضافه، نوع افعال، قافیه و ردیف، ترکیب‌سازی، نوع لغات، موسیقی و به‌طور کلی صرف و نحو زبان پرداخته میشود. در این بخش به مهمترین و پرتکرارترین ویژگی‌های زبانی این اثر اشاره میشود.

الف) سطح آوایی (موسیقایی): به سطح آوایی، سطح موسیقایی متن نیز گفته میشود؛ زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی بررسی میکنند. موسیقی بیرونی (کناری) از بررسی وزن و قافیه و ردیف به دست می‌آید.

موسیقی درونی متن با تبیین صنایع بدیعی لفظی از قبیل انواع سجع، جناس، تکرار، همحروفی (همصدایی) به وجود می‌آید (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۱۶)

- **موسیقی بیرونی (وزن-بحر):** مهمترین عامل تأثیرگذار شعر پس از عاطفه، وزن است؛ زیرا برانگیختن عواطف بدون وزن کمتر اتفاق می‌افتد و انتخاب وزن مناسب موسیقی شعر را دلیلی و احساسات درونی شاعر را بیان میکند. شاعر این منظومه را به پیروی از خسرو و شیرین نظامی سروده و بالطبع از وزن آن متابعت کرده است؛ بنابراین وزن منظومه «فهرست جهان» «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» یعنی هزج مسدس محذوف است.

- **موسیقی کناری (قافیه و ردیف):** موسیقی کناری حاصل جلوه‌های موسیقایی از تکرار واژگان شعری در آغاز یا پایان هر بیت است که البته این تکرار در قالبهای سنتی بیش قافیه و ردیفهای پایانی است، بعبارتی «قافیه نوعی زمینه سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ۸۵) تعداد ابیات مردف در این مثنوی قابل توجه نیست و شاعر خود را به استفاده از آن ملزم نکرده است. با وجود این از انواع ردیف بهره برده است و در این میان بیشترین سهم متعلق به ردیف «فعلی» است. به نمونه‌هایی از ردیف در این اثر اشاره میشود.

ردیف فعلی

دلم را بحر بی‌اندازه گردان درو درد کهن را تازه گردان (۷۴)

ردیف اسمی

چو شخص از پا درآید جای سایه نشیند نور بی غوغای سایه (۷۴)

ردیف ضمیر

بود در علم تو حاضر تن تو تصرف نبود اندر وی فن تو (۱۰۳)

ردیف حرفی

که طرح دیگر افکن این سخن را ز نو شرحی کن این راز کهن را (۷۴)

ردیف صفتی

رسد هر دم ز غیبت نامه‌ای نو ز اوصاف قدیمت جامه‌ای نو (۷۶)

ردیف ترکیبی

به خوابش داد حق بیداری از غیب عنایت کرد الحق یاری از غیب (۸۷)

معانی را به هم پیوند کردم به الفاظ مناسب بند کردم (۷۴)

از نظر قافیه نیز فعل و اسم به ترتیب بیشترین نوع کلمه در قوافی این مثنوی هستند. نکته قابل ذکر این است که ظاهراً هر جا شاعر در تنگنای قافیه قرار گرفته است، از کلمات عربی دشوار و غیررایج در زبان فارسی یاری جسته است. همچنین در موارد بسیاری کلمات عربی ثقیل و نامتداول در جایگاه قافیه، از رسایی و روانی کلام کاسته است:

و زان پس مجملی کان گشت مخلوق زمین بُد و آسمان مخلوط و مرتوق (۱۰۵)
 درو مجموع اسماء مندرج شد سراج از نور جمعش منسرج شد (۱۰۶)
 در انسان باشد این صنف مکرم چنان کاندرا ملک روح مهیم (۱۸)

موسیقی درونی:

موسیقی درونی حاصل هماهنگی و نسبت ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر است. «این موسیقی در آرایه‌های مختلفی مانند انواع جناس، ردالصدر، ردالعجز، تکرار، واج آرایه و غیره متجلی میشود.» (جمالی، ۱۳۸۳، ص ۶۳)

-تکرار: یکی از عوامل موسیقی آفرین تکرار است که در سطح واج، هجا، کلمه و کلام صورت میگیرد و زیبایی خاصی به اثر میدهد، «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است؛ صداهای غیر موسیقایی و نامنظم که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود» (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۸۹). تکرار واژه از پربسامدترین آرایه‌های ادبی در این اثر است که گاه از لطف و شیوایی اثر میکاهد و این نکته را به ذهن متبادر میکند که شاعر برای پوشاندن نقص شاعری خود، از تکرار کلمات بهره برده است:

نشان من ببر از یاد جانم به کوی بی‌نشانی ده نشانم (۷۴)
 الهی یا الهی یا الهی به جانبازان در آه صبحگاهی (همان)
 خدا در بیخودی بیخود توان دید تو بیخود شو که خود پیش آید آن دید (۸۰)

واج آرایه

بود سیر تو در دیر تو بی غیر نباشد غیر را در دیر تو سیر (۸۳)

-انواع جناس: جناس در میان صنایع بدیعی، پرکاربردترین صنعت در این منظومه است؛ بطوریکه در کمترین بیتی حضور ندارد. به شواهدی از آن اشاره میشود. لازم به ذکر است جناس مضارع دارای بیشترین بسامد در میان انواع جناس در منظومه «فهرست جهان» است.

جناس مضارع

چو رهرو مرد واصل کیست یا رب ز رنج راه حاصل چیست یا رب؟ (۷۴)
 اگر پنهان شد اندر کنج غاری ز پنهانی ندارد گنج عاری (۷۸)

نیز: وهم/سهم (۹۰)، قصر/حصر (۹۱)، مغز/نغز (۹۴)، باز/ساز (۱۰۲)، فرق/غرق (۱۰۴)، دست/پست (۱۰۵)، شامل/کامل (۱۰۶)، شمع/جمع؛ بروج/عروج، ساقی/باقی (۱۰۸).

جناس مذیل

ز غیرت چون به غیر خود نپرداخت نظر از علم خود هم بر خود انداخت (۷۴)

جناس زائد

همه عالم نمود از بودِ او یافت عدم رنگ وجود از جود او یافت (۷۶)

چو مشغول تفرّج شد زمانی ز هر منظر نظر در بوستانی (۹۱)

جناس مرکب:

گر از من راست پرسی، راست آنست که این رؤیا نصیب راستانست (۸۷)

ز جان سرمایه ساز و رو به بازار تطور در صور سودست باز آر (۹۲)

ز سر بفرن کلاه ای طرفه شهباز نظر بگشا، نشین بر دست شه باز (۱۰۱)

جناس تام

سرود سار و قمری بر لب رود فکنده زهره را هر دم ز کف رود (۷۵)

رود: رودخانه/ آلت موسیقی حدیث باغ و وصف گل بهشتم (۸۰)

چو بشکفت این گل باغ بهشتم

بهشت: جنت / فعل هشتم

جناس اشتقاق:

به اقبال قبول مقبِلانت به سوز سینه صاحب‌دلانت (۹۱)

چو مظهر گشت در وی رنگ ظاهر

به رنگ اول آمد رنگ آخر (۱۰۵)

جناس شبه‌اشتقاق

اگر عفوت کشد خط در خطاها خطاها سربه‌سر گردد عطاها (۷۵)

زبان چون بر لب آرد جان به یادت دهانم پر کن از شهد شهادت (۷۸)

جناس لفظ

گل اندر چشم مردم کرد خاری ز عژش مردمان را هست خواری (۷۷)

جناس خط (تصحیف)

اگر پنهان شد اندر کنج غاری ز پنهانی ندارد گنج عاری (۷۸)

محل او نشد مدرک در ادراک ز قسمت پاک باشد نبودش پاک (۸۲)

ز نفست هر نفس تجدید او کرد به قدر خواستت تجدید او کرد (همان: ۹۵)

جناس حرکتی

گُل به گِل بوی خود درآمیزد گِل چو در صحبت گُل آویزد (ص ۱۷۲)

موازنه (تصریح)

به قرب دائم انوار عقلی به شرع قائم آثار نقلی (۷۵)

سطح واژگانی (لغوی و نحوی):

لغوی (واژه‌ها)

- واژگان عینی یا انتزاعی

واژه‌هایی که بر عقاید کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسیند. غلبهٔ واژه‌های عینی (در برابر ذهنی) سبک متن را حسی میکند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک میشود. (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۱)

واژه‌های عینی: سنگ- دریا- گل - آتش- قطره- آفتاب - چنار- لاله- خون- و...

واژه‌های انتزاعی: معرفت- توحید- استغنا- عنایت- فکر- مقصود- بصیرت - عشق- بخشش - غم - حال- مقام- و...

- کاربرد کلمات فارسی کهن و گاه نامتداول: تعداد کلمات فارسی در این منظومه چشمگیر نیست و بسامد زیاد لغات عربی، استفاده از لغات فارسی، به‌ویژه لغات فارسی کهن را، به حاشیه رانده است. به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود. نکتهٔ قابل توجه این است که برخی از این کلمات، بسیار کم کاربرد و کمتر شناخته شده هستند: ویر (۸۲)، (۸۹)، فُرن (۹۶)، ینگ: طرز و روش و شکل (۱۰۱)، خسک (۷۷)، انباز (۸۱)، آزر (۸۹)، اشتم (۱۰۳)، دهشت، نژند، ناوک، سنان (۱۰۹).

- کاربرد کلمات عربی: منظومهٔ «فهرست جهان» مملو از لغات ساده یا دشوار عربی است که گاه درک مفهوم شعر را بسیار دشوار میسازد. برای مثال، تمامی کلمات (به جز حروف اضافه) در ابیات ذیل، عربی هستند:

به بحر رحمت عام محیطت به نور ظاهر تام بسیطت
به قدر قدرتت بر خلق معدوم به عزم حکمتت ز اظهار معلوم (۷۴)
به استغراق ارواح مهیّم به استرقاق اشباح مجسم (۷۵)

نیز: نقر (۷۴)، مُعطی، محاق، مربوب (۷۷)، مضمحل، شنائت، ضیق (۷۸)، تنحیس، احتراق (۷۹)، ملاقی (۸۰)، تصادم، مستدیر (۸۲)، مستفاد، محتبس، مثقب (۸۳)، توخذ، مطعوم، مضموم (۸۴)، منجزم (۸۵)، مسطور (۸۶)، اعتناق (۸۷)، مطموس (۸۷)، تغالب (۸۹)، انسالخ، مکتحل (۹۱)، انجاح، تفویت (۹۲)، توغل (۹۳)، منصوص (۹۸)، استکمال، انبوب (۱۰۰)، مدورس (۱۰۳)، تجاذب، مؤتمر (۱۰۶)، استنزال (۱۰۷)، مشارف (۱۱۰).

- استفاده از اصطلاحات عرفانی: از آنجاکه منظومهٔ «فهرست جهان» دارای محتوایی تعلیمی و عرفانی و سرشار از اصطلاحات عرفانی و گاه کلامی و فلسفی است به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود. (شهود- حیرت- حال - مقام - ذکر- استغنا- طلب- رضا - و...)

بقا را بعد از فنا کردند اثبات ولی غیر از تو باقی نیست هیبهات(۳۵)
 چون شودشان شهود حق حاصل؟ از خود و از شهود خود غافل(۱۶۸)
 چو طالب حسن ظنی در طلب داشت به خردی با بزرگان هم ادب داشت(۱۰۴)

اسم خاص: لیلی و مجنون - فرهاد - جبرئیل - زلیخا - مصر - عطارد - اسرافیل - هدهد سلیمان - و...

اسم عام: طوطی - اسب - دریا - شراب - کوه - صدف - درخت - گل - و...

- انواع جمع

جمع با ها

نشانه‌ها - فسانه‌ها - هنرها (۱۶۰) - پشه‌ها (۱۶۱) - شکرها (۱۷۸) - و...

جمع با ات

برخی کلمات با نشانهٔ جمع عربی «ات» به‌کاررفته‌اند که در این میان، مصادر و سپس اسامی سهم بیشتری دارند: کرامات، مقامات (۷۴)، اشارات، اعتبارات (۸۱)، مخصوصات (۸۱)، شعورات، ظهورات (۹۷)، نباتات (۱۰۰)، معقولات (۱۰۱)، تنبیهات (۱۰۲)، مرادات (۱۱۰).

جمع مکسر

بسامد جمعهای مکسر نیز در این اثر بسیار زیاد است و میتوان گفت هیچ صفحه‌ای از این مثنوی را نمیتوان یافت که در آن جمع مکسر به‌کار نرفته باشد. به مواردی از آن اشاره میشود:

اغیار، انوار، اسرار، صور، معانی، ریاحین (۷۴)، ارکان، موالید، وسایط (۷۶)؛ انجم (۷۷)، بیوت، اوتاد (۷۹)، شئون (۸۰)، مرآت (۸۱)، عکوس (۸۲)، اطلال (۸۳)، سرائر (۸۷۰)، مواطن (۸۸)، اساطین، اکابر (۸۹)، ابدان، یواقیت، زواهر (۹۰)، دعائم، اوتاد (۹۱)، قوافل (۹۴)، رواحل (۱۰۶).

-نوآوری در کاربرد کلمات مشتق و مرکب: یکی از ویژگیهای نظامی گنجوی، ساخت ترکیبات بدیع است (دهمرد، ۱۳۹۲: ۸۱). علاءالدین کرمانی نیز به پیروی از نظامی، ترکیبات بدیعی خلق کرده است که گاه زیبا و دلنشین هستند و این را میتوان جزو سبک او دانست:

به شادی غم فرسودگانت	به رنج در عدم آسودگانت (۷۵)
به جانبازان خط بر خود کشیده	به تو پیوسته و از خود بریده (همان)
گل شادی‌ده از گلزار امید	چراغ مه‌فروز از شمع خورشید (۷۶)
عقول از درک او دل‌ساده‌ای چند	حواس اندر خیال افتاده‌ای چند (۷۸)
هنرپیداکن اندر عیب‌پوشی	خصوصت سست‌ساز از سخت‌کوشی (همان)

نیز: سایگی (۷۴)، پرستش‌پیشه (۷۷)، نظرتیزان (۷۸)، گم‌بودگی (۸۰)، عشرت‌اندوز (۹۰)، سبک‌دستانه (۹۶)، هم‌هدف (۹۷)، اسرارگو، رخ‌نما (۱۰۴)، باقی‌خوار (۱۰۷)، اسرارجویی (۱۰۹)، کافورباری، کافورخواری، معین‌جو، اطلاق‌جو (۱۱۰).

نحوی

- کاربرد افعال کهن فارسی: از کلمات کهن فارسی چندان استفاده نشده است و تعداد بسیاری از واژگان عربی

هستند. به مواردی از افعال کهن فارسی در این اثر اشاره میشود که در فارسی معیار امروز به کار نمیروند. مواردی نظیر بیختن (۷۹)، فسریدن (۸۹)، مالیدن (۸۹)، نیارد (یارستن) (۷۴)؛ نهشتست (هشتتن) (۷۹)؛ بسودم (سودن)؛ طرازی (طرازیدن) و خاید (خاییدن) (۱۰۹).

گلاب ار شبنمش بر رخ هوا ریخت عبیر از گرد دامانش صبا بیخت (۷۹)
مواطن کرد بر اهلس روان حکم نیارد کس که پیچد سر از آن حکم (۷۴)

-**کاربرد افعال نیشابوری:** یکی از صورتهای صرفی ماضی نقلی در دوره نخستین زبان فارسی دری، کاربرد آن با «است» بصورت «کردستم، گفتستم» است که در شعر مکرر دیده میشود. درباره این وجه، مقدسی نوشته است که مردم نیشابور سینی بی‌فایده (به بعضی صیغه‌های فعل) می‌افزودند و کلمات «بخردستی، بگفتستی، بختستی» را مثال آورده است و محمدتقی بهار این‌گونه فعلها را «افعال نیشابوری» نامیده است (بهار، ۱۳۶۹: ۲۵۸)

چو تو از خواستها برخاستستی نشیند با تو هرچه خواستستی (۹۱)
کلاهدست این که سر پنداشتستی به جای سر، کلاه افراشتستی (۱۰۱)
چو جهل خود ازو بشناختستند بدو گردن به علم افراختستند (۱۰۴)

- کاربرد انواع فعل

ساده

چو سرمستانه اندر خویش دیدند بدمستی به دعوی سرکشیدند (۵۷)
چو آب از چشمه سوی گل سفر کرد به بستان آمد در گل مفر کرد (۶۹)

مرکب

چو این آلات در جسمش گمان برد به نور علم نفسش ره در آن برد (ص ۸۹)

پیشوندی: در زبان فارسی، پیشوندهای زیادی وجود دارد که برخی از آنها از فارسی کهن به ما رسیده‌اند. تعداد این افعال در منظومه «فهرست جهان» زیاد نیست و شاعر بیشتر از افعال ساده و سپس مرکب استفاده کرده است و افعال پیشوندی در مرتبه آخر قرار دارند.

فرو رو در خیال این دو مدرک یقین جو شو، برآی از لجه شک (۸۰)

نیز: درآمیختن، برانگیختن (۸۵)، درپذیرفتن (۹۶)، درتافتن (۹۹)، فکندن (۱۰۰)، درآموختن (۱۰۲)، درگرفتن (۱۰۶)، درپذیرفتن (۱۰۷)، فروشتن، فروگفتن (۱۱۰).

فعل امر بدون «ب»

به یک یک عضو آرام و سکون ده ز سر تا پایت این قوت برون ده (۷۰)

فعل امر با «ب»

گر رسیدی به آستان یقین حلقه در بگیر در وی بین (ص ۱۷۶)

-**کاربرد صیغه کهن ماضی استمراری:** ماضی استمراری علاوه بر شکل امروزی، در قدیم به صورتهای مختلفی به کار میرفته است. یکی از صورتهای آن، کاربرد «ی» در آخر فعل به جای «می» در آغاز آن است که در این اثر گاه مشاهده میشود مثل نگنجیدی (۸۵)، نشستی، جُستی و بستنی (۱۰۷).

-**کاربرد حرف اضافه مرکب:** در دستور زبان فارسی کهن، زمانی که یک اسم بین دو حرف اضافه قرار بگیرد و بار معنایی روی حرف اضافه دوم باشد، به آن «متمم تأکیدی» گویند. در تاریخ گذشته زبان فارسی، گاهی یک «متمم» همراه با دو حرف اضافه به کار میرفت. در مثنوی «فهرست جهان» در شواهد اندکی این مورد دیده میشود: مدرس عقل و در خوابش سبق‌هاست به بیداری بر از عقلش طبق‌هاست (۸۶)
به خانه در عیال و کودکان داشت خمیری کرد صبحی از پی چاشت (۸۹)

-**کاربرد صفت مقلوب:** در زبان فارسی کهن، تحت تأثیر زبان عربی، گاه صفت قبل از موصوف می‌آمده است. این کاربرد صفت و موصوف در منظومه مذکور بسیار انگشت‌شمار دیده میشود: طرفه شهباز (۱۰۱) و صافی شراب (۱۰۸).

-**کاربرد «الف» اطلاق (اشباع):** الف اطلاق ظاهراً فقط برای پر کردن وزن به پایان کلمات افزوده میشود و فاقد نقش دستوری و معنی است. علی‌اشرف صادقی معتقد است این الف حاصل درهم آمیختن قاعده‌ای در زبان مانوی و عربی است که احتمالاً نشان‌دهنده حالت ادامه‌دار صدا در هنگام خواندن بوده است (صادقی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶).
دگر گفتا نه آفاقیست این خواب که در تهذیب اخلاقت این شاب (۸۷)
بگفتا با سگت شیخا چه کارست؟ همانا شیخ را عزم شکارست (۹۶)

-**تخفیف:** در زبان فارسی گاهی بعضی از حروف کلمات را می‌اندازند و آن را سبک و کوتاه میکنند. این عمل را تخفیف و آن کلمات را مخفف نامند. این عمل در شعر فارسی بسیار رایج است و معمولاً به ضرورت وزن انجام میشود. این منظومه نیز از این قاعده مستثنی نیست: ره، درگه او (۸۰)، ناگه (۸۶)، پیمبر (۸۸).

-**کاربرد قید سخت**

گرهی چند بسته بر بادست چون سخن سخت سست بنیادست (ص ۱۷۸)

-**کاربرد همی و اندر**

به گردش سبعة سیاره از دور همی گردند سرگردان و مهجور (ص ۴۶)
مگر میخواست تا باشد سپاهش همیشه حاضر اندر بارگاهش (ص ۵۸)

-**کاربرد انواع «ی»:** در زبان فارسی انواع «ی» در ساخت کلمات یا معرفه و نکره کردن آنها به کار میرود. علاءالدین نیز از انواع آن در کلام خود بهره برده است:

مصدری: خبر زان یافتی وقت <u>فزونی</u>	شدی مشغول فعل از <u>رهمنونی</u> (۸۲)
مفعولی: به اصناف صور جنس معانی	به نوعی نسبتی دارد <u>نهانی</u> (۸۳)
نکره: <u>وزیری</u> بود شه را حکمت‌اندیش	چو عقل کل ز کل بیش و ز کل پیش (۸۵)
نسبت: که هر کس از رعیت وز <u>سپاهی</u>	شود غارتگر اموال <u>شاهی</u> (۹۰)
وحدت: ز خود وایافتن ذوقی و حالی	به وجدان <u>شمه‌ای</u> زان ذوق عالی (۱۰۶)

-**انواع «را»:** بیشترین کاربرد «را» در این اثر متعلق به نشانهٔ مفعول است، سپس در معنای حروف اضافه است. در معنی «برای»: اگرچه جمله را دارالقرارست تفاوت کاملان را بی‌شمارست (۱۰۵) فک اضافه: بود ارواح کمال را وظیفه نمودن تازه بیعت با خلیفه (۱۰۸) نشانهٔ مفعول: لقا شد آرزو اهل بقا را به روز مرگ یابند آن لقا را (۱۱۰) سوگند: نمیگویم که واحد شو، عدد مان خدا را این خودی بگذار و خود مان (۸۰)

طح ادبی

منظومهٔ «فهرست جهان» را از نظر ادبی میتوان به دو بخش تقسیم کرد. ابتدای کتاب بار بلاغی نسبتاً سنگین است؛ به‌ویژه در مقایسه با بخش اصلی کتاب که از آنجا که موضوع اثر، فلسفی و عرفانی است، زبان جدی و عینی شده و فنون بلاغی بسیار کم به کار رفته است. باین حال شاعر از انواع صنایع بلاغی در این اثر بهره برده است. به مهمترین صنایع بیانی و بدیعی در این اثر در ادامه اشاره میشود.

تشبیه: در میان صنایع بیانی، تشبیه پرسامدترین صنعت بلاغی در این مثنوی است که انواع آن مشاهده میشود:

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن

محسوس به محسوس

همچو شاخی بریده بُد پایش	گشته پای درخت خود جایش (ص ۱۳۰)
تخت تن را کشی به باد نفس	جان به هر جانبی که کرد هوس (ص ۱۷۷)

معقول به محسوس

ز آتش شد ذکر در دم گرم	دل چون آهن تو گردد نرم (ص ۱۵۲)
عنان رخس عزمش واکشیدم	وز رکابش پا کشیدم (ص ۱۰۰)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

تشبیه مجمل

بدان قوت شکم چون طیل سازی و زان هم چون علم گردن فرازی (100)
معانی همچو نور آفتابند مدارک شیشه‌ها در وی چو تابند (101)

تشبیه مفصل

فلک بر مهد گل چون دایه پیر دوتا وز ابر پستان‌های پر شیر (۷۵)
چمن ز ابر سیه در جلوه و شاد چو طاووسی که از هند آیدش یاد (همان)

تشبیه موکد

تخم شریست آن، که نفس تو جست در زمین دلت فکند و برست (ص ۱۶۰)

تشبیه مرسل

دل چو آینه است و صیقل جوع زان صفا آخر و اول جوع (ص ۱۴۱)

تشبیه بلیغ

دل از تیغ اندیشه دو نیمست که دارم بیم و الحق جای بیم است (ص ۵۹)

همچنین: بند عقل (۷۴)، رشته رحمت؛ آب فکر؛ خار وهم (۷۴)، جام ابر، نور معرفت (۷۵)، بخار شرک (۷۸)، دریای حیرت، تیغ اندیشه (۸۶)، کشور حسن (۹۰)، کحل توفیق (۹۱)، شاخ طمع (۹۶)، باد وهم (۱۰۲)، رخس همت (۱۰۵)، بحر اسرار، سیم برف، پنبه ابر (۱۰۷)، کوه جرم، ابر رحمت (۱۱۰).

انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن طرفین

مفرد به مفرد

تو چو شمعی ولی فروخته نی ز آتش عشق یار سوخته نی (ص ۱۶۳)
فلک چون غنچه‌ای بسته دهان بود گل سرخ شفق در وی نهان بود (ص ۴۴)

مفرد به مقید

ریختی هر طرف چو باد وزان زر چو برگ رزان به وقت خزان (ص ۱۶۱)

مفرد به مرکب

فلک سبز و شفق سرخ و درو خور چو در منقار طوطی بیضه زر (78)

مقید به مفرد

گر تنت همچو ریسمان کاهد نفس نارد که از تو نان خواهد (ص ۱۴۱)
باد شادی مرد گنج اندیش کوه غم را برد چو کاه از پیش (ص ۱۷۲)

مقید به مقید

کف احمد که بود بحر سخا گوهر او همیشه کان عطا (ص ۱۶۱)

انواع تشبیه به لحاظ شکل

تشبیه تفضیل:

شده خورشید گرم از مهر رویش هزاران دیده بر افلاک سویش (ص ۷۹)

تشبیه مفروق:

چمن وادی ایمن گشت و گلنار درو چون آتش موسی به دیدار (ص ۷۵)

تشبیه تلمیحی:

سکندر بود گویی خامه‌ام زان به ظلمت رفت و آورد آب حیوان (ص ۷۴)

تشبیه حروفی:

قدت چون لا دوتا شد این اشارت به نفی غیر حق دادت بشارت (ص ۱۱۰)

استعاره: استعاره پس از تشبیه، بیشترین بسامد را در میان صنایع بیانی در این منظومه دارد. بسامد استعاره مصرحه از مکنیه در این اثر بیشتر است. استعارات نیز مانند تشبیهات معمولاً تکراری و کلیشه‌ای هستند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

استعاره مصرحه

روان گشت آب حیوان اندرین جو ولی خضری که آشامد از آن کو؟ (ص ۷۴)

آب حیوان: استعاره از معانی بلند این کتاب / جوی: استعاره از الفاظ این کتاب/ خضر: استعاره از صاحب‌نظر و اهل معنی.

بدین صیقل ز دل‌ها زنگ بزداي به جان‌ها چهره زین آیینه بنمای (ص ۷۵)

صیقل و آیینه: استعاره از کتاب فهرست جهان

گشاید چرخ هر شب در سجودش هزاران دیده از بهر شهودش (ص ۷۶)

دیده: استعاره از ستاره.

نباشد در جهان زین طرفه‌تر لاغ که زاید طوطی‌ای هر روز از زاغ (۷۸)

طوطی: استعاره از خورشید، و زاغ: استعاره از شب.

چو این مرآت از آدم جلا یافت به وحدت کثرت عالم صفا یافت (۱۰۴)

مرآت: استعاره از عالم خلقت.

بجنب اکنون، نگو پیران نماندند همه زین خاکدان دامن فشاندند (۱۰۷)

خاکدان: استعاره از دنیا.

چو پنبه در ره باد وزان بود به هر سو باد می‌بردش، روان بود (۱۰۷)

پنبه: استعاره از برف.

استعارهٔ مکنیه: بیشتر استعارات مکنیه در این اثر، مانند بیشتر آثار، حاصل تشبیه به انسان و ذکر یکی از اعضای آن برای مشبه است.

گل از باغ طلب دست ادب چید رخ مطلوب را چشم ادب دید(ص ۱۰۰)

غزل‌خوانی چو بلبل ساز کرده فلک گوش کواکب باز کرده (۷۵)

کنایه: کنایات منظومهٔ «فهرست جهان» تقریباً همیشه از نوع «ایما» هستند:

زمین خورده ز جام ابر، صهبا نهاده راز دل جمله به صحرا (۷۵)

به صحرا نهادن: کنایه از آشکار کردن

ز زخمش کوبی! چون چنگ مخروش چو گوشت مالِد و گیرد در آغوش (۷۷)

گوش مالیدن: کنایه از تنبیه کردن

بدین طبل و علم گویی بدم شاه ز فوت آن برآری از جگر آه (۱۰۰)

آه از جگر برآوردن: بسیار غمگین و متأسف شدن

درین ترتیب اگر نفست زند راه نگردی از ره انصاف ناگاه (۱۰۲)

راه زدن: گمراه کردن

کنایه صفت از موصوف

ز آه کوهکن خون شد دل سنگ مخوانش لعل یا یاقوت خوش رنگ(ص ۷۵)

کوهکن کنایه از فرهاد

تلمیح: تلمیح از صنایع نسبتاً پرکاربرد در منظومهٔ «فهرست جهان» است که انواع مختلف آن شامل تلمیحات دینی، اساطیری، و غنایی در آن وجود دارد:

تلمیحات دینی

اشاره به ماجرای اویس قرنی و پیامبر:

ز گلزار یمن بفرست بویی که نگذارد ز من بر جای مویی (۸۰)

اشاره به داستان حضرت ابراهیم

نسوزد آتش ابراهیم در حس فلاتنکر و لا وجهک تعبس (ص ۶۴)

اشاره به شکسته شدن دندان پیامبر توسط کفار:

اگر سنگی لبش بر لب نهاده
چو سنگی را لب لعلش دهد رنگ
لبش را چون گدایان سنگ زد در
ز در برگشت دامن پر ز گهر (۷۸)

تلمیحات غنایی

سحاب از رعد آه آتشین داشت
چو لیلی گل مگر با سرو آزاد
مشو از خسرو و شیرین شکرریز
لب رامین کند گه ویس را کام
مگر که نالهٔ فرهاد پنداشت (۷۵)
به رفتن وعدهٔ باز آمدن داد(ص ۷۵)
نباتی زان شکر شیرین‌تر انگیز(ص ۳۶)
رماند از خودش یا او کند رام(ص ۴۸)

تلمیحات اساطیری

فریدون وار گل بر تخت بنشست
درفش کاویانی شاخ برداشت
شقایق آتش کاووس بر کرد
کمان رستم ابر پیلتن باز
مگر نرگس به دشت اسپندیارست
بهاران دست ضحاک خزان بست
ز میوه نیز گرز گاوسر داشت
سیاوخش تذرو از وی گذر کرد
بزه کردست و دارد رزم را ساز
که بر چشمش ز باران تیربارست (۷۹)

تضمین:

چو مهر آمد رخ فرخنده‌فالش
اشاره به آیهٔ «مازاعُ البَصْرُ وَ ماطَعی» (نجم / 17):
بود کارم سیاه اندر ترازو
اشاره به آیهٔ «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم/۹):
خداوندا نکه دار از زوالش^۱ (۷۵)
که بار من همه زاغست و مازو (۷۸)

^۱ خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نکه دار از زوالش (دیوان حافظ: غزل شمارهٔ ۲۷۹)

ز امکان و وجوب افتاده در بین میان هر دو قوشش قاب قوسین (۱۰۵)

ایهام:

ز بار خویش سرو آزاد مانده به دست از هرچه بودش باد مانده (۷۵)

«باد در دست ماندن» هم معنای کنایی دارد هم واقعی.

بدین دستان و فن در نغمه‌سازی هزار: بلبل / عدد هزار ار صد بود تو صد هزاری (۷۹)

چو دم بی مهر صبح از دل برآورد زمین را کرد بر دل آسمان سرد (۱۰۷)
مهر: خورشید / محبت

تو را چون کار با قربان خویشست مرا قربان شدن بهر تو کیشست (۷۸)

کیش و قربان به ترتیب: تیردان، کماندان / قربانی شدن، آیین

مراعات‌النظیر

بهار عالم جان فتح غیبست گل علم اندرو بی خار ریبت (۷۴)
نیارد عقل بیهق راند هیهات در آن عرصه که بردش هست در مات (۱۰۲)

تضاد

چو قمری سفید آمد سخنگوی برفت و گنگ شد زاغ سیه‌روی (۷۵)
درین سودا میان بود و نابود زیان هیچ افتد و باشد همه سود (۷۷)

حسن تعلیل

ز آه کوهکن خون شد دل سنگ مخوانش لعل یا یاقوت خوش‌رنگ
یقین هر لاله اشکی است زان خون که می‌آید ز چشم کوه بیرون (۷۵)

ارسال‌المثل:

نکو ناید دروغ و حق‌پرستی مثل شد راستی و آنگاه رستی (۷۷)

اشاره به «در خانه اگر کس است، یک حرف بس است»:

درین ویرانه‌ده گر هست یک کس چه حاجت این همه، یک حرف ازین بس (۸۰)

اشاره به «شنیدن کی بود مانند دیدن»:

به گفتن کس نیابد دیدِ توحید ز گفتن فرق بسیارست تا دید (۹۵)

اشاره به: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»:

متناقض‌نما

پس آن ذاتی کزو عالم نشانست بدین پیدایی از عالم نهانست (۷۶)
فناى مطلق از تو خواستگارم ولی بی خواست این درخواست دارم (۸۵)

تجريد (خطاب‌النفس)

اگر خواهی که یابی کوکبی کام شوی بینیای ره ز آغاز و انجام
برو جا در جوار مصطفی کن ریاضت کش درون روضه جا کن (۷۸)

سیاقه‌الاعداد

ز نقد و جنس و انواع جواهر لالی و یواقیت زواهر
ز خلعتها و دیبای ملمع ز انواع کمرهای مرصع
ز تخت و کرسی و دیهیم شاهی که گشتندی بدان شاهان مباهی (۹۰)

تقسیم

دو ره گفتند بهر استفاضت یکی فکر و دوم راه ریاضت (۱۰۳)

ج (سطح فکری

منظومه فهرست جهان، منظومه‌ای تعلیمی و عرفانی است که طبق ادعان شاعر، تحت تأثیر خسرو و شیرین نظامی سروده شده است؛ نکته قابل توجه این است که این اثر هیچ نسبتی با خسرو و شیرین جز در وزن ندارد؛ چراکه علاءالدین کرمانی معتقد است افسانه خسرو و شیرین دیگر چیزی برای ارائه ندارد و بهتر است طرحی نو ریخت و از حقایق سخن گفت (۷۴). از این روی، این منظومه بیشتر شبیه مخزن‌الاسرار است. به نظر میرسد در مقایسه‌ای کلی، حتی مطالب آن نسبت به مخزن‌الاسرار پیچیده‌تر و حتی گاه نیز غیرقابل فهم است. در مجموع اگرچه علاءالدین کرمانی سعی نموده مانند نظامی، با ذکر حکایات در خلال مباحث، از دشواری لفظ و معنی بکاهد، استفاده از اصطلاحات ثقیل و گاه نادر (یا حتی خودساخته) فلسفی، کلامی و عرفانی، این اثر را برای مخاطب عام، تهی از هرگونه جذابیت و کشش نموده است. در این بخش به مهمترین مضامین و لایه‌های فکری این مثنوی پرداخته میشود.

- **مفاخره (فخریه):** فخریه که با تسامح در ادبیات فارسی مفاخره نامیده شده است یکی از انواع ادبی است که در منابع کهن جزو اغراض شعری به‌شمار آمده است (شفیعیون، ۱۴۰۰: ۱). علاءالدین کرمانی بارها به مناسبت‌های گوناگون، به ستایش و تحسین شعر خود روی آورده است. نکته قابل توجه این است که اگرچه خود را وامدار نظامی میدانند، در نهایت برتری را از آن خویش میدانند و به این موضوع به‌صراحت اشاره میکنند.

به جان شیخ و شعر جانفزایش	به مه‌رویان بکر دلربایش
به آثاری که جز دستش نچیدست	چه می‌گوییم درختش کس ندیدست
به گوهرهای غواصان فکرش	به زیورهای رقاصان بکرش
به صافش کان نبود هرگز مکدر	به قندش کان نشد هرگز مکرر
که این شعر از فروخوانی بر آن خاک	برآید نعره‌ی تحسین بر افلاک
به سمعش گر چکد یک قطره زین دمع	حواس خمسه‌اش گردد همه سمع
وگر خود لمعه‌ای زین شمع مه تاب	شبی بر قبر او تابد چو مهتاب
روانش را اگر بخشند دستور	چو پروانه زند خود را بر این نور
براین گفتار، او خود دارد اقرار	تو چون او نیستی، بگذر ز انکار (۷۹)

ابیات ذیل نیز حاوی فخر و مباحثات شاعر به شعر خویش است که مدعی است با سبک و طرزی نو همراه است و موجب آبادانی مملکت شعر گشته است که البته ادعایی بی‌پایه و اساس است:

فکندم طرح نو راز <u>کهن</u> را	بلندی دادم از پستی سخن را
به طرزی نو سخن را داد دادم	سخن‌های کهن بر باد دادم (۷۴)
ذری ناسفتنی گر، کوبکی سفت	حدیثی نیز اگر ناگفتنی، گفت (۷۵)
بر اقلیم سخن گویی شدم چیر	قلم نیزه، زبانم گشت شمشیر
به معماری من شد شعر معمور	مرا در شاعری دادند منشور
به شمشیرم که یاری قلم کرد	فلک منشور شعرم بر علم کرد (۷۹)

احتمالاً منظور شاعر از «راز کهن»، خسرو و شیرین نظامی است و مدعی است این اثر را با طرزی نو رنگ و اعتباری دیگر بخشیده است.

-اصطلاحات و مضامین عرفانی: از آنجاکه منظومه «فهرست جهان» دارای محتوایی تعلیمی و عرفانی و سرشار از اصطلاحات عرفانی و گاه کلامی و فلسفی است به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود.

صدور کثرت از وحدت بیان کن	در اعیان عین واحد را عیان کن (۷۴)
عنایت گر بود، آسان شود کار	وگر آن نیست، آسان هست دشوار
بمیر از خویش و فانی در خدا شو	ز خود بیگانه، با او آشنا شو (۷۶)
صور در علم چون عکسی در آبد	ز خود غافل تو گویی غرق خوابند
صور علمی، ولی علمش به خود نی	درو دانا و بینا جز احد نی (۸۱)

-اشاره به پیران طریقت و اولیای تصوف: علاءالدین کرمانی معمولاً در حکایاتی که ضمن شرح مباحث خود می‌آورد به پیران طریقت و اولیای تصوف می‌پردازد. در اغلب موارد بطور کلی از شخصی گمنام نام می‌برد مانند «پیری»، «قطبی» یا «صدیقی»؛ اما در سه حکایت مجزا از بایزید بسطامی، شیخ خرقانی، و عبدالقادر گیلانی یاد میکند.

کنند از شیخ خرقانی حکایت که بودش در طفولیت هدایت (ص ۱۰۷)
یکی را عزم راه جانی آمد به عبدالقادر گیلانی آمد (ص ۱۰۸)

-وصف و ستایش خداوند: تحمیدیه در تاریخ ادبیات فارسی، مورد اهتمام شاعران کهن به‌ویژه شاعران معنوی‌گرا قرار گرفته‌است. در آغاز منظومه «فهرست جهان» نیز به این مضمون پرداخته است:

خداوندا دلی ده رازدانم که رازت از دل خود باز دانم
ز پای روح، بند عقل بگشای رهی بیرون ز طور عقل بنمای
زبانی ده که راه دیده پوید چو گوید حال راه، از دیده گوید
مده اغیار را در دیده‌ام راه که بینم شاه را در لشکر شاه (۷۴)

-مناجات: علاءالدین کرمانی به‌منظور رازونیا با خداوند، گله و شکایت از روزگار، طلب یاری و کمک از خداوند و مسائلی از این دست، در آغاز، پایان و گاه نیز در میانه اثر، به مناجات با خداوند پرداخته است:

به نور خویش روشن ساز کارم مکن از ظلمت خود شرمسارم
ز تو من در پس دیوار خویشم به فتحی در کن این دیوار پیشم
نظر چون در تو دور از خویش کردم به ترک عقل دوراندیش کردم
ز بار خویش در ره کارم افتد نماند کار ره گر بارم افتد (۷۷)

خدایا رحمت خود یار من کن ز لطف شمه‌ای در کار من کن
ببخش این قال و بر حالم ببخشای رهی بیرون ز قال و حال بنمای
ز یاد من وجودم کن فراموش که گیرم در عدم خود را در آغوش
به هجران خود از غم گردم آزاد ز وصل خویش باشم در عدم شاد (۸۴)

خدایا چاره پندار من کن به لطف جذبه‌ای در کار من کن
مرا از ظلمت من ده فراغی ز نور خود به چشمم نه چراغی
چو از نور تو در نور تو بینم شود روشن ز نورت راه دینم (۱۱۰)

-منقبت پیامبر اسلام (ص): شاعر این منظومه، پس از ستایش خداوند به منقبت پیامبر اسلام (ص) و ماجرای معراج ایشان روی آورده است و به یادکرد هیچ شخص دیگری اعم از خلفای چهارگانه، ائمه اطهار، یا ممدوح خاصی نپرداخته است.

محمد کآفرینش زو نمودیست برو از آفریننده درودیست
نگویم کآفرینش زو مدد یافت که تفصیلش مدد ز اجمال خود یافت
شعاعی مهر از نور بسیطش حبابی چرخ از بحر محیطش
روان بخشد فلک را نور پاکش کشد چشم ملک را سرمه خاکش (۷۸)
عروجش عرش را تاجست و معراج که بر سر یافت از نعلین او تاج

ملک نوعی شد از جنس سپاهش فلک شد خیمه‌ای در بارگاهش (۷۸)

-**وصف طبیعت:** زیباترین بخشهای منظومه «فهرست جهان» مواردی است که شاعر به وصف طبیعت پرداخته و سعی کرده همگی عناصر آن را در وحدت و هماهنگی نشان دهد:

کف ساقی نرگس لاجوردست	بلورش جام و می یاقوت زردست
بنفشه زود از آن می در سر آمد	ولی گل سرخ و خندان خوش برآمد
سمن سر بر کنار لاله خفته	ستاره در شفق دارد نهفته
چو خون در سرخ‌بید افزوده باده	ز سر تا پای خود رگ‌ها گشاده
درختان جمله در رقص و سرافشان	زرافشان مهر و شبنم گوهرافشان
برای صید مرغان گریه بید	نهان در برگ و دل صدشاخ ز امید (۷۵)

در موارد متعددی نیز به توصیف صبح روی آورده و به‌زیبایی از عهده کار برآمده است:

چو صبح از مشرق انوار سر زد به چوگان زمرّد گوی زر زد
ز خور چون لوح سیمش زرفشان شد از آن گردون یشم زرنشان شد (78)

-**گله و شکایت از روزگار و فلک:** علاءالدین کرمانی به گله و شکایت از روزگار پرداخته و به مخاطب توصیه میکند فریب شیرینیهای روزگار را نخورند؛ چراکه در آخر جز تلخی نصیبی نمیبرند.

فلک هر صبح سازد کاسه پر شیر	مخور شیرش که بیرون آرد از قیر
کند اول قدح پر شیر گردون	دم آخر شود شیرش همه خون
چو طفلان هر که خو با شیر او کرد	جنینست و به خون در حبس خو کرد (۷۹)

-**تأثیر و تقلید از شاعران دیگر:** شاعر منظومه «فهرست جهان» بطور مستقیم فقط به تأثیر از نظامی گنجوی و جامی اشاره کرده است؛ اما در ابیاتی نشان میدهد تحت تأثیر شاعرانی مانند حافظ و مولوی نیز بوده است. برای مثال در بیت نخست، بیتی از حافظ را فریاد می‌آورد^۱:

به دست خویش بند خویش بردار حجاب خود تویی از پیش بردار (80)

در ابیات ذیل نیز از مصاحبت خویش با جامی یاد میکند:

وحید عصر و شیخ وقت جامی	که برد این نرد عذرا از تمامی
برین طاس کهن دیری درین دیر	کنند این کعبتین ماه و خور سیر
که تا نقشی بدان خوبی برآید	کز آن سان مهره‌ای در ششدر آید
اگرچه نرد عشق حق عقب باخت	به میدان مسابق از عقب تاخت
در آن وادی که طیش بی زمانست	کنون با سابقانش هم‌عناست (۸۸)

^۱ میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست / تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز (دیوان حافظ: غزل ۲۶۶)

در بیت ذیل نیز به بیتی معروف از مثنوی اشاره میکند^۱:

به سعی و حيله با این پای چوبین روم افتان و خیزان در ره دین (۱۰۲)

-**استفاده از حکایات و تمثیل:** بخش قابل توجهی از ادبیات کهن فارسی به آثار تعلیمی اختصاص یافته و تعلیم عرفانی در این میان سهم ویژه‌ای دارد. نقل و روایت انواع داستان و حکایت نقش بسزایی در تبیین مفاهیم و آموزه‌های دینی و عرفانی دارد. علاءالدین کرمانی نیز از این نقش حکایات غافل نبوده است و در اثنای مطالب از آن بهره برده است.

شهی بودست در ایام ماضی	رعیت زو به داد و عدل راضی
نه شه را کار جز لشکرکشی بود	نه لشکر را ز حکمش سرکشی بود... (۸۵)
همان شیخ زمانه این حکایت	کند جایی به تقریبی روایت
که مردی بود او را جوهری نام	عجب حالیش پیش آمد ز ایام
به خانه در عیال و کودکان داشت	خمیری کرد صبحی از پی چاشت... (۸۹)

-نقاط ضعف و قوت شاعر-

علاءالدین کرمانی را میتوان شاعری درجه دوم دانست که سعی کرده از کاروان خمسه‌سرایبی عقب نیفتاده و وام خویش را به این جریان ادا کند. در مجموع میتوان گفت در توصیف مضامین غنایی مهارت بیشتری دارد تا مضامین تعلیمی. در واقع هنگام طرح مباحث عرفانی و فلسفی تا به حدی دچار اطناب، تکرار و ثقل مضمون میشود که هدف تعلیم و آموزش محقق نمیشود. برای نمونه به ابیات ذیل توجه کنید:

اگر جزئی آن کلی نماید	نباید گه معبر، گاه باید
اگر حادث همان جزئی خاصست	ز تأویلات تعبیری خلاصست
و گر حادث بود جزئی دیگر	که شد بر شکل آن جزئی مصور
وگر جزئی کلی دگر کرد	ازین جزئی بدین کلی خبر کرد
ازین جزئی بدان جزئی خاصی	که حادث راست با او اختصاصی (۸۶)

تعدد نیست چون در ذات موجود	نباشد شاهد اینجا غیر مشهود
چو شاهد در شهود از خود فنا یافت	شهود او به مشهودش بقا یافت
شهودش در فنا شد وصف مشهود	فنا را در شهودش این اثر بود
ز خود چون در شهودش بی‌خبر شد	شهودش باقی و نسبت دگر شد (93)

ظاهراً او خود نیز متوجه اطناب در کلامش شده و آن را توجیه میکند:

^۱ پای استدلالیان چوبین بود / پای چوبین سخت بی‌تمکین بود

اگر نقصیم در طول کلامست ز طول قصه عذر من تمامست
نیابد این سخن هرگز تمامی اگر من گویم ار گوید نظامی (۸۵)

او در جایی از منظومه «فهرست جهان»، به خوابی اشاره میکند که به‌نوعی فرایند سرایش شعر را توسط او تبیین میکند:

عجب‌تر زین مرا آن شد که اشعار گهی در خواب می‌خوانم به تکرار
به خوابم وزن مصرع‌ها درست است یکایک قدر ثانی چون نخست است
به بیداری چو آرم یاد از آن خواب کند نفسم در آن خوضی ز هر باب
همان اشعار و آن الفاظ محفوظ به بیداری مرا گردند ملحوظ
مرا چون بر زبان گردند جاری نمایند از لباس وزن عاری (۸۸)

این ابیات نشان می‌دهد که احتمالاً رعایت وزن و انتخاب قوافی او را به دشواری دچار می‌کرده است تا جایی که ذهن او را در خواب نیز به خود مشغول می‌داشته است.

امتیاز دیگر علاء‌الدین کرمانی در شاعری، خلق ترکیبات جدید است که تحت تأثیر نظامی صورت گرفته است:

ز علمش عقل کلی حکمت‌اندوز ز حلمش نفس جزوی شهوت‌آموز
فراغ‌آموز خبرتهای باریک چراغ‌افروز فکرت‌های تاریک
فراغ‌خبرت از فکرت به توفیق دهد و آنکه نماید راه تحقیق
گل شادی‌ده از گلزار امید چراغ‌مه‌فروز از شمع خورشید (۷۶)

که در این ابیات ترکیبات «حکمت‌اندوز»، «شهوت‌آموز»، «فراغ‌آموز»، «چراغ‌افروز»، «گل شادی‌ده» و «چراغ‌مه‌فروز» قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

علاء‌الدین کرمانی منظومه «فهرست جهان» را به پیروی از خسرووشیرین نظامی در بحر هزج مسدس محذوف سروده است. تعداد ابیات مردّف در این مثنوی قابل توجه نیست با وجود این از انواع ردیف بهره برده است. از نظر قافیه نیز «فعل» و «اسم» بترتیب بیشترین نوع کلمه در قوافی هستند. هر جا شاعر در تنگنای قافیه قرار گرفته، کلمات عربی دشوار و مهجور به کار برده است. شاعر از کلمات کهن فارسی استفاده نکرده است اما بسامد لغات عربی زیادست.

علاء‌الدین کرمانی نیز به پیروی از نظامی، ترکیبات بدیعی خلق کرده است که گاه زیبا و دلنشین هستند و این را میتوان جزو امتیازات سبک او دانست. منظومه «فهرست جهان» را از نظر ادبی و بلاغی میتوان به دو بخش تقسیم کرد. در ابتدای کتاب و قبل از شروع بحث اصلی، بار بلاغی نسبتاً سنگین است؛ به‌ویژه در مقایسه با بخش اصلی کتاب، که از آنجاکه موضوع اثر، فلسفی و عرفانی است، زبان جدی و عینی شده و فنون بلاغی بسیار کم به کار رفته است. باین حال شاعر از انواع صنایع بلاغی در این اثر بهره برده است. گاه نیز مواردی مشاهده‌میشود که بدیع و دلنشین است. در میان صنایع بیانی، تشبیه پر بسامدترین صنعت بلاغی در این مثنوی است که انواع آن مشاهده

میشود. در میان انواع تشبیه نیز، تشبیه بلیغ و سپس تشبیه مفصل بیشترین بسامد را دارند. استعاره پس از تشبیه، بیشترین بسامد را در میان صنایع بیانی دارد. بسامد استعاره مصرحه از مکنیه بیشتر است. استعارات و تشبیهات شاعر معمولاً تکراری و کلیشه‌ای هستند. جناس در میان صنایع بدیعی پرکاربرد است. منظومه فهرست جهان، به‌رغم اذعان شاعر مبنی بر پیروی از خسرووشیرین نظامی هیچ نسبتی با خسرووشیرین جز در وزن ندارد و این منظومه بیشتر شبیه مخزن‌الاسرار است. در مجموع اگرچه علاءالدین کرمانی سعی نموده مانند نظامی، با ذکر حکایات در خلال مباحث، از دشواری لفظ و معنی بکاهد، استفاده از اصطلاحات ثقیل و گاه نادر (یا حتی خودساخته) فلسفی، کلامی و عرفانی، این اثر را برای مخاطب عام، تهی از هر گونه جذابیت و کشش نموده است. اما در مجموع بعنوان یکی از خمسه‌های متقلد از خمسه نظامی در قرن نهم هجری قابل توجه است و ارزش معرفی و بررسی دارد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران استخراج شده است. آقای دکتر عبدالرضا سیف راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای دکتر محمود فضیلت به عنوان مشاور در تجزیه و تحلیل این مقاله نقش داشته‌اند. سرکار خانم منور جان بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

-*Qurān*

-Azimi, Habibullah (2010), *The Principles and Basics of Manuscripts in Manuscripts*, Tehran: Organization of Documents and National Library.

-Dahmardeh, H. (2013). A Flame of Nezami's Language. *Literary Arts*, 5(1), 81-96.

Fotouhi Roud Mojani, M. (2011). *Stylistics, Theories, Approaches & Methods*, Tehran: sokhan.

- Homaei, j.(1984). Technics of Rhetoric literary industries.Tehran: Toos.
- Hāfēz Shirazi, Sh. M. (2011), *Divan*, Tehrān: shaghayegh.
- Manuscript of "Khamseh Mokhira or Mohira", Hagia Sophia library, with registration number 3855.
- Manuscript of "Khamse Mokhireh or Mohireh", Istanbul University Library, with registration number 1398.
- Mallah,H (2015) The link between music and poetry, Tehran,Faza
- MOHAMMADI H, arabi S, Torabi Farsani S. (2019) Political and intellectual discourse of Tariqat Naqshbandiyah during the Timurid era, 11 (41), ۱۷۹-۱۵۵.
- Öner, Harun, (2021) KEVKEBÎ'S MESNAVI CALLED ÂYÎNE-İ DİL, Istanbul
- Ripka, Yan et al. (1991) History of Iranian literature, translated by Keykhosrow, Tehran: Gutenberg and Javidan Khard.
- Sadeghi, Ali Ashraf (2015) Persian Comprehensive Language, Volume 2, Tehran: Persian Language and Literature Academy.
- Vaezzadeh, A., Ghavam, A., Radmard, A., & Salehinia, M. (2013). From Khamseh / Quintet Composing to Khamseh / Quintet Scholarships (critical Study of Khamseh / Quintet Researches). *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*, 65 (226), 129-163
- Shamisa,S.(2012).Meanings, Tehran: Mitra.
- Shamisa,S.(2013).Bayan, Tehran: Mitra.
- Shamisa,S.(2015).Literary Types, Tehran:Mitra.
- Shamisa,S.(2004). Literary Criticism,Tehran: Mitra.
- Shamisa,S.(1996). Stylistics of poem. Tehran: Mitra

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷) دیوان، تهران: شقایق.
- دهمرد، حیدرعلی (۱۳۹۲) «زبان‌های از زبان نظامی» فنون ادبی، (۱) ۵، صص ۸۱-۹۶
- ریپکا، یان و همکاران (۱۳۷۰) تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کی خسرو کشاورزی، تهران: گوتنبرگ و جاویدان خرد.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) سبک‌شناسی شعر، تهران، میترا
- (۱۳۸۰) کلیات سبک‌شناسی، تهران، میترا
- (۱۳۸۶) بدیع، تهران، میترا-----
- (۱۳۹۴) انواع ادبی، تهران، میترا
- (۱۳۷۸)، بیان، تهران، میترا
- (۱۳۷۵)، سبک‌شناسی نظم، تهران، میترا
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه، رویکردها و روشها، تهران، سخن
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۵) فرهنگ جامع فارسی، جلد ۲، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹) اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
ملاح، حسینعلی (۱۳۸۵) پیوند موسیقی و شعر، تهران، فضا
محمدی شرف‌آباد، هومان (۱۳۹۸) «گفتمان فکری سیاسی طریقت نقشبندیه در عصر تیموریان» مطالعات تاریخ
اسلام، (۴۱) ۱۱، صص ۱۷۹-۱۵۵.

نسخهٔ خطی «خمسهٔ مخیره یا محیره»، کتابخانهٔ ایاصوفیه، با شماره ثبت ۳۸۵۵.
نسخهٔ خطی «خمسهٔ مخیره یا محیره»، کتابخانهٔ دانشگاه استانبول، با شماره ثبت ۱۳۹۸
واعظزاده، عباس و همکاران (۱۳۹۱) «از خمسه‌سرایی تا خمسه پژوهی (بررسی انتقادی تحقیقات حوزهٔ
خمسه‌پژوهی)» زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، (۲۲۶) ۶۵، صص ۱۶۳-۱۲۹.
همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۳) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، طوس

2021. Öner, Harun, KEVKEBÎ'NİN ÂYÎNE-İ DİL ADLI MESNEVİSİ, İstanbul

معرفی نویسندگان

منور جان: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: hannacn.hc@gmail.com)

(ORKID:)

عبدالرضا سیف: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: seif@ut.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORKID: 0000-0002-6810-4733)

محمود فضیلت: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: mfazilat@ut.ac.ir)

(ORKID: 0000-0003-0622-8790)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Monavvar Jan: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: hannacn.hc@gmail.com)

(ORKID:)

Abdul Reza Seif: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: seif@ut.ac.ir: Responsible author)

(ORKID: 0000-0002-6810-4733)

Mahmoud Fazilah: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: mfazilat@ut.ac.ir)

(ORKID: 0000-0003-0622-8790)